



«ادب» از منظر آیات قرآن/ تحصیل «ادب»، اولویتی برای تنها روز باقی مانده عمر

قرآن کریم، با تاکید بر ادب، آدابی را برای شرایط و موقعیت‌های مختلف بیان کرده است، امام صادق (ع) می‌فرماید:

قرآن کریم، با تاکید بر ادب، آدابی را برای شرایط و موقعیت‌های مختلف بیان کرده است، امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر در عُمرت دو روز مهلت داده شدی، یک روز آن را برای ادب خود قرار ده تا از آن برای روز مُردنت کمک بگیری.

به گزارش ایکنای از خراسان رضوی، در یادداشت «حسن خلق عبادت است/ خوش اخلاقی را در ماه بندگی خدا تمرین کنیم» اصل «اخلاق گرایی» بیان شد و در این یادداشت که حجت الاسلام سید محمدحسین راجی، استاد کفایه حوزه، مدرس دانشگاه و رئیس بنیاد صحیفه سجادیه در خراسان رضوی در اختیار ایکنای قرار داده است، به «ادب» به عنوان یکی از اصول اخلاقی در جامعه قرآنی، پرداخته می‌شود.

«ادب» از منظر آیات قرآنی

قرآن، کتاب ادب است و ادب حضور و ادب برخورد را در جاهای مختلف بیان می‌کند. مثلاً می‌خواهیم یک مکان مقدس برویم، قرآن آیه دارد: «قَالِیْكَ تَعَلِّیْكَ اِنَّكَ یَااِلٰوٰدِ الْمُقَدَّسِ طُوٰی» یا در خصوص ادب برخورد با والدین می‌فرماید: «و بِالْوَالِدِیْنَ اِحْسَانًا»، برای ادب ورود به خانه و دیگران: «یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُیُوْتًا غَیْرِ بُیُوْتِكُمْ حَتّٰی تَسْتَأْذِنُوْا...» ادب مناظره با مخالف: «جَادِلْهُمْ بِاَتِّیْهِ هِیْ اَحْسَنُ».

ادب شنیدن صحبت‌ها: «یَسْتَمِعُوْنَ الْقَوْلَ فِیَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهٗ»، ادب صحبت کردن: «قَوْلًا بَلِیْغًا» و «قَوْلًا لَّیْسًا»، ادب نیکی به دیگران: «وَ اِذَا حِیَّتُمْ بِحِیَّةٍ فَحَبِّوْا بِاَحْسَنِ مِنْهَا»، ادب مهمانی: «اِذَا دُعِیْتُمْ قَادْخُلُوْا قَاِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوْا»، ادب نشستن در مجالس عمومی: «اِذَا قِیْلَ لَكُمْ تَفَسَّخُوْا فِی الْمَجَالِسِ فَافْسَخُوْا فِیْفَسْحِ اللّٰهِ لَكُمْ» و موارد بسیاری که در خصوص آداب، در قرآن کریم بیان شده است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اِنَّكُمْ قَوْمٌ یَّادَبُیْنَ كَفَرَبِنَهٗ بِالْحِلْمِ، تُو بِالْاَدْبِ ارْزُشْ كَذَارِیْ مِی rlm& شوی، پس آن را با بردباری زینت بخش». شما قیام و پا برجا بودن تان با ادب است، اگر ما می‌خواهیم قیام کنیم و زندگی کنیم باید ادب داشته باشیم و ادب فقط مال مومن نیست، هر کس می‌خواهد در دل مردم جا پیدا کند، باید ادب داشته باشد. این مواردی که قرآن بیان می‌کند همه فطری است، خداوند می‌فرماید: «خوش اخلاق باشید»، کافر هم باید خوش اخلاق باشد اما ما که ادعای مسلمانی می‌کنیم بیشتر باید ادب را رعایت کنیم.

ادب انبیاء (ع) و بزرگان

پیامبران الگوی ادب بودند. حضرت ابراهیم (ع) می‌خواست خدا را به مخالفین توضیح دهد، گفت: «الَّذِی خَلَقَنیْ قَهْوَ یَهْدِیْنِ* وَالَّذِی هُوَ یَطْعَمُنِیْ وَ یَسْقِیْنِیْ، وَ اِذَا مَرَضْتُ قَهْوَ یَشْفِیْنِیْ، وَالَّذِی یُمِیْسِنِیْ تُمِیْحِنِیْ، خَدَاۤیْ مِنْ اَنْ کَسِیْ اَسْتَ کَمَا مِنْ گَمْرَا هُ بُوْدَم وَ هَدَا یْتَم کَرَد. بِه مِنْ طَعَام دَاد وَ مَرَا سِیْرَاب کَرَد». نمی‌گوید که خدای من همان خدایبست که مریضم کرد و بعد شفایم داد، می‌گوید خدای من آن خدایی است که وقتی من مریض شدم او شفایم داد. این شیوه سخن گفتن ادب است.

بزرگان دین این ادب‌ها را رعایت می‌کردند خصوصاً در محضر ائمه (ع). علامه امینی می‌گوید: وقتی وارد حرم حضرت امیر المومنین (ع) می‌شدم همیشه از پایین پا به حرم وارد و بعد خارج می‌شدم و از بالای سر به حرم نرفته ام. بسیاری از افرادی که به این قضیه دقت دارند هیچ وقت از بالاسر وارد نمی‌شوند. می‌روند دور می‌زنند و از پایین پا وارد می‌شوند. آیت الله بروجردی و حضرت امام (ره) هنگام خروج از حرم مطهر حضرت معصومه (س) عقب عقب می‌آمدند و پشت به ضریح نمی‌کردند؛ این‌ها را دقت می‌کردند و الحمدلله بسیاری از مردم نیز این‌ها را انجام می‌دهند.

تنها روز باقی مانده از عمرتان را هم صرف تحصیل «ادب» کنید

امام صادق (ع) می‌فرماید: «اِنَّ اَجَلَکَ فِی عُمُرْکَ یَوْمَیْنِ قَاِجَعَلُ اَحَدَهُمَا لِاَدَبِکَ لِتَسْتَعِیْنَ بِهٖ عَلٰی یَوْمِ مَوْتِکَ. فَقِیْلَ لَهٗ: وَ مَا تِلْکَ الْاِسْتِعَاةُ؟ قَالَ: تُحْسِنُ تَدْبِیْرَ مَا تُخَفِّفُ وَ تُحْکِمُهُ، اِگر در عُمرت دو روز مهلت داده شدی، یک روز آن را برای ادب خود قرار ده تا از آن برای روز مُردنت کمک بگیری، به امام گفته شد: این کمک گرفتن چگونه است؟ فرمودند: به این rlm& که آنچه را از خود برجا می‌rilm& گذاری، خوب برنامه rlm& ریزی کنی و محکم کاری نمایی».

آیت الله بروجردی و عدم پذیرش پادشاه عربستان

زمانی شاه عربستان سعودی به ایران آمد و هدایایی برای آیت الله بروجردی فرستاد، آقا از میان آن هدایا چند قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را رد کرد. شاه عربستان تقاضای ملاقات حضوری با آقای بروجردی را کرده بود و این تقاضا توسط سفیر عربستان به آقا ابلاغ شد، ولی آقا این تقاضا را رد کرد. وقتی از علت آن سوال شد فرمود: «این شخص اگر به قم بیاید و به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (ع) نرود، توهین به آن حضرت خواهد بود و من به هیچ وجه چنین امری را تحمل نمی‌کنم». اینها ادب است و آن چیزی که دست بسیاری از افراد را گرفت همین احترام‌ها بود.

محدث قمی بدون وضو و طهارت حتی دست به جلد کتاب حدیث نمی‌زد. چه برسد به اصل جملات حدیث و هرگاه می‌خواست

حدیث مطالعه کند یا بنویسد، با وضو و به صورت دو زانو رو به قبله می نشست و کارش را آغاز می کرد.

ادب «حُر زمانه» و عاقبت بخیری

طیب حاج رضایی بارها به جرم چاقوکشی به زندان افتاده بود و یک بار هم به بندرعباس تبعید شده بود. در مراسم جشن تولد پسر محمدرضا پهلوی، تمام چهار راه مولوی را تا شوش، فرش کرد و طاق نصرت بست. به دلیل اقداماتی که در ۲۸ مرداد به نفع تاج و تخت انجام داد، همواره مورد توجه محمدرضا پهلوی بود و حتی از شاه، یک طپانچه هدیه گرفته بود. با این حال، او را «حُر» خواندند؛ زیرا در دل عشق حسین(ع) داشت و سرانجام از لشکر یزید، به بیرق امام حسین(ع) پناه برد. او در اواخر سال ۴۱، دچار تحولی درونی شد و دوستان و آشنایانش، بارها از او شنیدند که می گفت: «خدایا پاکم کن، خاکم کن».

ویژگی خاص مرحوم طیب که همه دوستانش بر آن متفق بودند، انسانیت و لوطی گری او بود؛ به گونه ای که وقتی به شهادت رسید، خانواده های بسیاری که تحت سرپرستی او بودند، دچار مشکل شدند. دسته طیب، بزرگترین دسته عزاداری در تهران بود. دسته سینه زنی او در شوش و خراسان حرکت می کرد و خود او، با لباس مشکلی و سر و صورتی خاک آلود و گل مالی شده، در میان مردم به راه می افتاد و آنان را اطعام می کرد. دسته طیب، شب عاشورا - دوازده خرداد - طبق معمول همه ساله، از تکیه بیرون آمد. طیب در جلوی علامت تکیه، در حرکت بود و سینه زن ها پشت سرش، آرام آرام حرکت می کردند. آن شب بر خلاف سال های قبل، عکس های حضرت امام به سینه علامت نصب بود. انومبیل دربار کنار خیابان ایستاد. رسول پرویزی- معاون اسدالله علم، نخست وزیر دربار- پیاده شد و سریعاً جلوی طیب آمد و پس از سلام گفت: «طیب خان! این کاری که کرده ای، کار درستی نیست. آن عکس ها را بردار». طیب گفت: «من عکس ها را برنمی دارم». پرویزی گفت: «طیب خان! بدجوری می شود». طیب با متانت و وقاری که مخصوص خودش بود، خیلی صریح گفت: «بشود...». طیب علی رغم کارهای خلافی که می کرد، در عمق وجودش به روحانیت احترام می گذاشت و به خود، اجازه نمی داد که روحانیون و طلاب را مورد بی احترامی و آزار قرار دهند. در روز ۱۵ خرداد، طیب با تعطیل کردن میدان بار فروش ها، موجب شد که تظاهرات، با شور بیشتری صورت گیرد و تأثیر بیشتری نیز داشته باشد.

شهید عراقی، در این باره می گفت: «رژیم از طیب توقع داشت که حداقل، جلوی این تظاهرات را در داخل میدان بگیرد. ولی طیب این کار را نمی کند. وقتی او را می گیرند و می برند، از او می خواهند یک فرم را امضا کند و آزاد شود. تقریباً مسأله (و مضمون آن فرم) این بوده که آقای خمینی، یک پولی به من داده که بیایم چنین حادثه ای را خلق کنم و من هم آمده ام و مردم این کارها را کرده اند. ولی او نمی پذیرد. نصیری تهدیدش می کند و او هم به نصیری فحش می دهد».

«من به امام حسین(ع) خیانت نمی کنم»

سیدتقی درچه ای می گوید: او را شکنجه کردند و گفتند بگو از خمینی پول گرفته ام و این غایله را راه انداخته ام و او گفته بود: «من عمر خودم را کرده ام؛ بنابراین حاضر نیستم در پایان عمر خود، به کسی که جانشین ولی عصر(عج) و مرجع تقلید است، تهمت بزنم. من به امام حسین(ع) و دستگاه او، خیانت نمی کنم».

سرانجام طیب به اعدام محکوم شد. بعد از شهادت طیب، امام خمینی به حوزه های علمیه قم، نجف و مشهد می گویند طلبه ها سه شبانه روز برای طیب، نماز و روزه قضا انجام دهند و ۱۵۰ هزار تومان هم در آن زمان به آقای عسگر اولادی می دهند و می گویند این پول را به نیت رد مظالم برای طیب حاج رضایی بدهید.

جالب این است که هم اکنون عکس او را در هر جا از جمله در خانه اش در میدان خراسان زده اند، زیر آن این مطلب نوشته شده که «به خدا من این سید(امام خمینی) را نمی شناسم، اما با بچه حضرت زهرا(س) درنمی افتم» و همین موضوع باعث عاقبت بخیری و شهادت او شد.

سیدتقی درچه ای نقل می کند: «در شب اول شهادت طیب، در تمام کتابخانه های عمومی قم، مثل مسجد اعظم، کتابخانه فیضیه، کتابخانه حضرت معصومه(س) و کتابخانه های دیگری که دایر بود، پانزده هزار نفر از روحانیون، برای مرحوم طیب و حاج اسماعیل رضایی نماز وحشت خواندند و فکر نمی کنم برای هیچ آیت الهی، در شب اول قبر، پانزده هزار نماز وحشت خوانده شده باشد».

امام خمینی(ره) دو روز بعد از آمدن به ایران، به حرم حضرت عبدالعظیم مشرف می شوند. در حالی که در حرم بسیاری از بزرگان دفن بودند، امام بر سر مزار طیب می روند. امام، لقب حر انقلاب را به طیب حاج رضایی دادند. امام حسین(ع) در روز عاشورا به حُر فرمود: «ای حر! تو آزاده ای؛ همان گونه که مادرت تو را حر نامید». طیب نیز پاکیزه از این جهان، رخت بر بست؛ همان گونه که مادرش او را طیب نامید و این احترام به مرجع تقلید و احترام به فرزندان حضرت زهرا(س) دست او را گرفت؛ همان چیزی که از حُر دستگیری کرد.

امام علی(ع) می فرمایند: «إِنَّ يَدَوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْإِدْبِ كَمَا يَطْمَأُ الزُّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ، نِياز عاقلان به ادب، همانند نیاز کشتزار به باران است». و نیز می فرمایند: «لَا تَصْفُو الْجِلَّةَ مَعَ غَيْرِ أَدِيبٍ، دوستی با شخص بی ادب، صمیمانه نخواهد شد».

ادب در خانواده

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود. برای افراد پیر و ناتوان احترام خاصی قائل بود و در حد توانش به آنان کمک می کرد و در احترام به والدینش اسوه بود، به گونه ای که مادرش نقل می کند: «اگر پایین تر از او می نشستیم بلند می شد و می رفت جایی که پایین تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که از من خداحافظی می کرد دست به سینه عقب می رفت و بعد برمی گشت».